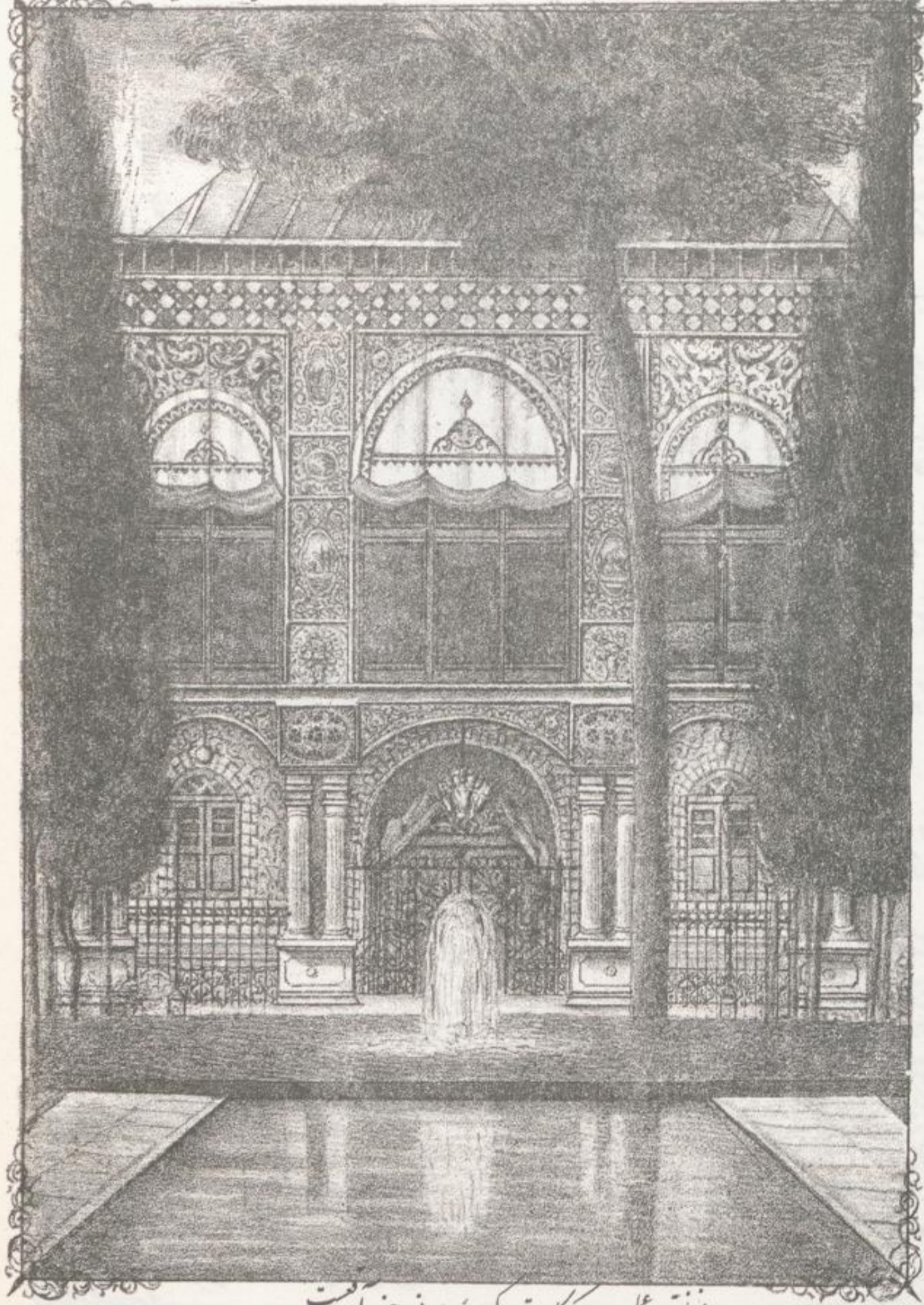




شهر جامی سال ۱۳۰۰

نمونه ششم

این وزن نام شهرته می یک نمونه بطبع میرسد قیمت نخه یکقران سیلانه یک تومان دو هزار و سیصد



منظر تالار دولت مبارکه کلاستان که نمونه همایونی در جنب آن است

یکی از نمازخانه‌ها به مسجد جامع بلار و عمارت مبارکه موزه است که این و آخر صورت انجام و زیور تمام یافته است و نظیر این بناهای عالی از حیث رفعت و وسعت و لطف تناسب و احکام و حسن مکان و تمام درین امر ادوار و قسرون و عصار در ممالک محروسه در غلبه و بلا و خارج ساخته و آراسته شده است تا لار موزه بهایونی که طولاً چهل و سه ذراع و عرضاً هجده ذراع و مثل بر بیت طاق است در سمت شمال قصر پستمانی و بنای سلطنتی واقع شده همین که از دیوانخانه بزرگ بدر بار اعظم آمدند و از در بار اعظم از در معروف بسلام که در طرف مغرب قصر پستمانی است وارد عمارت مبارکه موزه شدند یکت دریاچه مشاهیر میسایند که علی‌الذوام چهار سنگ آب از وسط آن فرارند از پهلوی یا چه که گذشت در طرف شمال محاذی همین دریاچه یکت بسیار عالی از فلز است که از این بواسطه پند های مرعوض که با قسام کلدانهای چینی و نخت و مجسمه های بسیار متنازین شده صورت نموده بطحیه میسند در این سطح حوضی از مرمر دیده می شود که بر سبیل استمرار آب از فواره آن جاریست ازین سطح بواسطه دو پله بسیار نازین دیگر بزرگ یک طاق بسیار بلند عریضی در و در میسایند در طرف جنوب نطق بلار کپستان است که تحت طاوس معروف آن گذاشته شده در طرف مغرب بلار موزه و در شمال کتباخانه و در سمت شرق بلار علاج است که از این بلار بلور سیرو و از بلار بلور بتا بلار موسوم بنا بخستان در حقیقت تا بلار از جد اول آب جاری وضع متناسب بنای بیع و حضرت اشجار و نحت و تزئین صفائی دارد که بوصف در نمی آید و غالباً در فصل زمستان که علیحضرت بهایون شاهی خلد اند ملکه و سلطان در در آن خلافت با بهره شریف فرما میسایند در این قسمت قصر سلطنتی در بلار بلور و بلار بتا اقامت میفرمایند و چون مقصود اصلی بیان وضع موزه مبارکه است دیگر شرح سایر عمارات مبارکات که در این قصر و بناهای بهایونی است پذیرفته میسند و بجملگی در فصل سینه رفیع طرف شمال قصار نمودیم

موزه با صطلاح اتالی فرنگ عبارتست از مکانی محلی که مخزن آثار قدیمه و اشیاء بدیهه و نقایس و دستنظفات دنیا است و از هر تنه و یادگاری در مخزن موضوع است بل علم و اطلاع کسب فایده تی و کشف سری میسایند و از احوال او ضلع بر زمان و صنایع و حرف آن رسوم و آداب معموله آن ایام و عادات طوایف نام با خبر میگردند و میسوان گفت که موزه تمیایس شعور و نیران عقول درجه فقام صنایع و مرآت ادراک سلاسلت مشکلات لایل در اینجا حل می شود و بر معلومات تاریخی شهود آفانه میساید این است که موزه بهایونی تیر بهین تیره خزینه ایست مشحون و اهر جواهر کرها و طرفایف و نقایس اشیاء و آثار جمیله علمیه و مهمات جریبه قدیمه آلات و ادوات متنوعه و مصنوعات از نند سافه و تیاج خیالات حکمای بزرگوار و کما کار صحن

و مورد و کس و ز این جور آلات کارخانه های کس و نیز سایر کارخانه های معتبر و مسکوکات قدیمه با صد سلاطین معظمه ایران و غیره علاوه بر این لایحه بسیار
 محصولات را تصدیق می کرد که هر یک در عالم علم و درایت و حوزه اطلاع و بصیرت کوه بریت بی بدل در نفاست و ایز ضرب مثل دانشمندان لکت دولت اند که
 دلایل قبی و بر این قطعی لالت عادات هم و سبک و طریقه ابل علم و درجات تمدن تربیت هر مسئله و اندازه فهم و فضل هر طبقه و سلسله آثار باقی آنهاست که در موزه



جناب مؤمن الملک

معتبر ضبط و بعضی چهار و عرض گذشته شده و این آئینه بی شایسته تکلف جهان نماست نه عراق و تملق را در آن راهی نه جای لغزش و اشتباهی
 نرید استمال چنانکه اشارت نمودیم کتابخانه در جنب موزه مبارکه مایونیت که چندین هزار جلد کتاب خطی و چاپی از کتب معتبره قدیمه و جدیده در آن
 و هر کتابی که اسم آن مسموع شده در این کتابخانه شریفه نسخه آن موجود می باشد و از آنجا که اهمیت این مکان میامن اقران یعنی عمارت مبارکه که توره
 و علوشان رفت آن بسین است قسمی از طرف جنوب آن درین روزنامه نگاشته می شود و چند شعری از قصیده غده که انوشیروان
 خان

کاشانی تخلص شیبانی از اجله فصحا و شعرا در توصیف این شای زبنت و بخت آنها سروده بمناسبت در ذیل درج نمود و بهی زده

ای قصه ما شنیده ز ارتکاب دروم و چین خیراید رای و موزه شاه جهان حسین
کانه بر بنا نقش صورهاش خیره اند صنعگران رومی صور نگران حسین
انموج جهان است این خج و نه موزه است یا خود جهان چابده و این قصر شس آستین
کز آستین بر آید هر چسبندی کان کارز آگنی بجایه نهان از ره عتین
کاخچای است این بنا که گیومرث نامد ماند آن ندید و نرسید و ن آستین
هر رطب و یابی که جهانراست اندر است پس خود کوشش موزه کتابی بود حسین
کاخچای چگونه کاخ که زو صد هزار شاخ آویخته است پر گل صدر تک و یاسمین
وز هر گلی دمیده گلی کوبی که بست از آفتاب روشن بفرش آستین

دیوار و بام و صحن درش از بلور صاف

صافی تر از جمال آل رای حورین

جناب مؤمن الملک

جناب میرزا سعید خان مؤمن الملک وزیر امور خارجه از ارکان دولت قوشوکت علییه و حال مظهره که تمام عمر متعلقه جلای خدمات و مهمام خطیر بود
بعده از ظهور کمال کفایت و کاردانی بصیرت و اطلاع و انی از اصول و این دول تمدنه و رسوم و آداب مستوعده درک خط مناسبات و عهود و منقده و حقوق
و اکاهی از موزه و هزار دیپلوما سی سال هزار دویست و شصت و شصت بلقب خانی و منصب پیری م خارج که فایم مقام وزارت امور خارجه است برقرار
و در سال بعد که نه هزار دویست و شصت و شصت با عطا ی قطعه نشان مکتل لباس از مرتبه تشریفی اول و جایل سزخ از جهان چه فرستار و در به سزخ آلی همین
منصب جلیل وزارت امور خارجه و لقب خانی منقخر و از آن مان الی آن پوسته در عداد وزرای بزرگ این دولت جاوید عتد معدود و بناب
صحب

برقرار و چند نیز شرف منصب جلیل متولی باشکری استاز مقدسه ضویه علی ساکنها الف سلام و تحیه فایز گردیده و در هر حال در حضرت کردون سلطنت

محمد حسن

بمایون دربار دولت و زرافرون با عطا ی خاص و استیاری مخصوص در حصص فریت داشته و دائر